

نوع مقاله: ترویجی

راهکارهای دستیابی به پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی

محمدرضا باقرزاده اول / استادیار گروه حقوق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

bagherzadehfirst@yahoo.com

orcid.org/0000-0003-4311-3366

aghayeeopor@gmail.com

مرتضی آقایی پور / کارشناس حقوق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۹

چکیده

یکی از مسائل مهم کشورهای اسلامی بحث «امنیت» و مشکلات امنیتی موجود در جهان اسلام است. از راه‌های تأمین امنیت و ثبات در حقوق بین‌الملل، استفاده از ابزار «حق دفاع مشروع»، آن هم در سطح اقدام به دفاع به صورت جمعی است. یکی از نمودهای دفاع جمعی پیمان‌های امنیت دسته‌جمعی است. وجود این پیمان با توجه معضلات امنیتی ممالک اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. هدف این تحقیق پاسخ به این سؤال است که با توجه به چالش‌ها در مسیر رسیدن به این پیمان، چه راهکارهایی برای دستیابی به آن وجود دارد. برای رسیدن به پاسخ باید در عملکرد سازمان‌های مشابه دقت نمود. «سازمان همکاری اسلامی» بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی بعد از «سازمان ملل» است که باید چالش‌ها و مشکلات آن بررسی گردد. علاوه بر این، روند تأسیس، مشکلات و راه‌حل‌های مهم‌ترین نمونه پیمان امنیت دسته‌جمعی (یعنی ناتو) بررسی گردد تا از تجربه‌های این پیمان‌ها، راهکارهایی برای دستیابی به یک پیمان موفق بیابیم. توجه به ظرفیت جهاد اسلامی و همچنین تقویت مقوله «وحدت اسلامی» دو راهکار مهم دیگر به شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: پیمان امنیت دسته‌جمعی، وحدت اسلامی، دارالاسلام، دفاع دسته‌جمعی، همگرایی، امنیت.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین معضلات کشورهای اسلامی مسئله نبود امنیت در جهان اسلام است. از مهم‌ترین راه‌های به رسمیت شناخته شدن تأمین امنیت در حقوق بین‌الملل، مقوله «دفاع مشروع» است. از جلوه‌های بارز دفاع مشروع، دفاع به صورت جمعی است. راه مهم استفاده از ابزار دفاع مشروع به صورت جمعی، تشکیل پیمان‌های دفاع دسته‌جمعی است. بنابراین یکی از ضروریات امروز جهان اسلام دستیابی به یک پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی است.

این نوشتار به دنبال پاسخ به این سؤال است که چه راهکارهایی برای دستیابی به این پیمان وجود دارد؟ زیرا بدون وجود راهکار، دستیابی به این پیمان میسر نخواهد بود. برای پاسخ، باید وضع موجود در جهان اسلام را ملاحظه نمود. بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی بعد از «سازمان ملل»، متعلق به جهان اسلام است. این سازمان یعنی «سازمان همکاری اسلامی» متأسفانه با وجود واگرایی و وابستگی اعضای تأثیرگذار سازمان به قدرتهای فرامنطقه‌ای در تأمین مهم‌ترین نیاز بشری مسلمانان (یعنی تأمین امنیت) ناتوان است.

علاوه بر این، برای یافتن راهکارهای مهم و عملی، باید مهم‌ترین پیمان‌های امنیتی جهان را ارزیابی کنیم تا از تجربه‌های موفق و یا ناکامی‌های اعضای پیمان‌های مزبور، راهکارهایی برای دستیابی به یک پیمان موفق بیابیم. توجه به «وحدت اسلامی» راهکار مهمی است. می‌توان نظریه «وحدت اسلامی» را به صورت عملی توسعه داد و معاهداتی را در زمینه وحدت در میان کشورهای اسلامی ایجاد نمود.

همچنین توجه به ظرفیت عظیم جهاد اسلامی و بسیج عمومی نیروهای مردمی راهکار دیگری است که می‌تواند چالش‌های مهمی دستیابی به پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی را حل کند.

۱. پیشینه بحث

در بررسی سابقه تحقیق در این زمینه باید گفت: به‌طور معمول در کتب «حقوق بین‌الملل عمومی» بحث «امنیت دسته‌جمعی» یا «دفاع دسته‌جمعی» معرفی و مطرح شده و مقالاتی از جمله مقاله «نظام امنیت دسته‌جمعی و سازمان ملل متحد؛ مورد عراق» (زال‌پور، ۱۳۸۳) یا مقاله «امنیت دسته‌جمعی» (collective security) نوشته شده است.

اما روشن است که تنها ارتباط موجود بین آنها و موضوع بحث تنها نگاه به کلیت امنیت جمعی به صورت عمومی است. اما نوشته‌هایی مثل مقاله پرفسور /پویتی استاد دانشگاه «بورگوین» و سیدعباس پورهائمی با موضوع «امنیت دسته‌جمعی در حقوق بین‌الملل؛ با تأکید بر ضرورت ایجاد سازمان منطقه‌ای برای امنیت خلیج فارس» (۱۳۸۶) وجود دارد که سازمان امنیت منطقه‌ای را به خوبی تشریح می‌کند؛ اما موضوع آن به صورت خاص خلیج

فارس و امنیت آن است. بحث این مقاله در زمینه امنیت خلیج فارس و با عضویت کشورهای ساحلی آن است. مشکلی که در مقاله مزبور وجود دارد این است که راهکاری برای رسیدن به این پیمان ارائه نشده است. به هر حال، چالش‌هایی در این زمینه وجود دارد؛ از جمله نبود همگرایی در میان کشورهای ساحلی یا نبود استقلال سیاسی این کشورها که تلاش‌ها برای رسیدن به یک پیمان امنیتی موفق را ناکام می‌گذارد.

مقاله «اعتمادسازی؛ پیش‌نیاز امنیت و نظام امنیت دسته‌جمعی در خلیج فارس» (مطلبی، ۱۳۹۱) نیز در زمینه پیمان امنیتی در میان کشورهای ساحلی خلیج فارس است. نویسنده مقاله لازمه رسیدن به این پیمان را انجام اقدامات اعتمادساز در جهت ایجاد اعتماد و جایگزینی حسن نیت به جای سوء نیت دانسته است. اولین اشکالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که دستیابی به یک پیمان موفق - دست‌کم - نیاز به اعضای همگون و همگرا دارد. اما به نظر می‌رسد که برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس با وابستگی سیاسی خود به قدرت‌های غربی، ناتوان از همگرایی با کشورهایی مستقلی مانند ایران هستند. بنابراین بعید به نظر می‌رسد که بتوان پیمان امنیتی موفق‌ی با چنین اعضای داشت، یا دست‌کم راهکاری که صرفاً به اقدامات اعتمادسازانه امیدوار باشد، چندان کافی به نظر نمی‌رسد.

اما در «پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی» پیشنهاد شده است: علاوه بر اینکه اعضای پیمان از کشورهای همسو و مستقل انتخاب می‌شوند، برای کشورهای دیگری که عضو این پیمان نیستند نیز این اعتمادسازی انجام گیرد که این پیمان هدف دفاعی دارد و هرگز قصد ضربه زدن به امنیت دیگران را ندارد. اقدامات اعتمادساز در «پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی» پیش‌بینی شده است؛ اما در آنجا برای پیشگیری از ایجاد معمای امنیتی پیشنهاد شده است.

بحث در «پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی» گستره وسیعی دارد، اما این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که چه راهکارهایی برای دستیابی به این پیمان وجود دارد؟

۲. علل واگرایی در کشورهای اسلامی با تأکید بر «سازمان همکاری اسلامی»

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌رو برای ایجاد «پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی»، وجود واگرایی در میان دولت‌های اسلامی است. یک نمونه مناسب برای مطالعه علل این واگرایی، «سازمان همکاری اسلامی» است. این سازمان بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی بعد از سازمان ملل است.

برخی نویسندگان مشکل این سازمان را واگرایی اعضا و نبود همگرایی در این سازمان می‌دانند و علل آن را عواملی همچون تفاوت ساختارهای سیاسی (بزرگمهری و دیگران، ۱۳۹۵)، تقابل دیدگاه‌های سیاسی (همان)، تفاوت جایگاه دیانت در نظام سیاسی (همان، ص ۳۴)، تفاوت دیدگاه و تفسیر از اسلام (همان، ص ۳۶)، موانع

اقتصادی (همان، ص ۴۱)، اختلاف میان کشورهای اسلامی (جهان‌بین و دیگران، ۱۳۹۳)، تأثیرپذیری از قدرت‌های فرامنطقه‌ای (همان، ص ۳۵)، بی‌ثباتی سیاسی (همان، ص ۱۲)، و ملی‌گرایی عربی (همان، ص ۱۳)، توصیف می‌کنند.

این دیدگاه را در بعضی از موارد نمی‌توان پذیرفت؛ مثلاً اینکه در بعضی کشورهای اسلامی حکومت مردمسالار یا پادشاهی یا خلافت و یا دیگر انواع حکومت‌ها وجود دارد و این نمی‌تواند دلیل موجهی برای واگرایی کشورهای اسلامی باشد؛ زیرا همین مسئله در اعضای «سازمان پیمان آتلانتیک شمالی» (ناتو) وجود دارد، ولی مانع همگرایی اعضا نشده است؛ مثلاً فرانسه و ایالات متحده آمریکا حکومتی دموکراتیک دارند، اما بریتانیا، دانمارک، هلند، نروژ، اسپانیا و لوکزامبورگ دارای حکومت پادشاهی‌اند.

نیز در زمینه تفاوت‌های اقتصادی در کشورهای اسلامی که همین تفاوت در اعضای ناتو نیز وجود دارد، موجب واگرایی نشده است. برای مثال، کشورهای یونان و پرتغال از کشورهایی هستند که برای رفع مشکلات اقتصادی، مجبور به اجرای سیاست «ریاضت اقتصادی» بودند، اما در مقابل، کشورهای ثروتمندی مثل ایالات متحده آمریکا و آلمان هم وجود دارند.

اما درباره تأثیر تفاوت دیدگاه و تفسیر اسلام بر واگرایی در این سازمان و حتی جهان اسلام برخی معتقدند: اینکه هریک از مذاهب اسلامی دارای مطلق‌بینی و حق‌بینی یک‌جانبه باشد، موجب تفرقه می‌گردد (همان، ص ۳۷). اگر منظور ایشان از این کلام این باشد که تنها راه نجات امت اسلامی گرایش مسلمانان به تکثرگرایی مذهبی (پلورالیسم) باشد، این خطاست؛ اما اگر منظور این است که با مطلق‌نگری، جریان‌ات و مذاهب دیگر تکفیر شوند و فقط یک جریان در اسلام، مسلمان محسوب شود، سخن حقی است و قطعاً جریان «تکفیر» و رواج تفکر «تکفیری» مانع همگرایی در جهان اسلام به شمار می‌آید.

اما تأثیرپذیری برخی اعضا از سیاست‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای امری غیرقابل انکار است. بعضی از کشورهای عضو سازمان با عضویت در اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع در سیاست‌های خود از بریتانیا تأثیر می‌پذیرند و برخی از کشورهای عربی خلیج فارس از سیاست‌های آمریکا پیروی می‌کنند (همان، ص ۳۵). اقدام امارات در به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی مثال بارز اثرپذیری تصمیمات سران این کشور از سیاست‌های آمریکا به‌عنوان یک قدرت بیگانه است.

از سوی دیگر، نفوذ کشورهای‌هایی مثل عربستان بر «سازمان همکاری اسلامی» و تصمیمات آن یکی دیگر از معضلات این سازمان است. تأسیس «سازمان کنفرانس اسلامی» بیش از همه مرهون حمایت مالی عربستان است و بودجه آن بیشتر از سوی این پادشاهی پرداخت شده است. در بین سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۹۱ مبلغ ۹۶ میلیارد دلار از سوی عربستان به تعدادی از کشورهای عضو پرداخت شد تا با سیاست‌های این کشور همسو شوند

(میرمحمدی، ۱۳۹۶). شاهد مثال سرسپردگی به بیگانگان در تصمیمات این سازمان را در تعلیق عضویت سوریه شاهدیم. در چهارمین جلسه گردهمایی فوق‌العاده اجلاس سران اسلامی که در مکه مکرمه در تاریخ ۱۴ و ۱۵ آگوست ۲۰۱۲ برگزار شد، علت تصمیم بر تعلیق عضویت سوریه، دفاع از حقوق شهروندان و کشتار مردم سوریه بیان شد (www.oic-oci.org).

این در حالی است که این سازمان نسبت به کشورهایی که از تروریست‌های سوریه حمایت کردند، واکنشی نشان نداد و درخصوص پایمال شدن حقوق شهروندان در بحرین و کشتار مردم یمن توسط عربستان سکوت کرد. اما در تاریخ ۱۷ نوامبر ۲۰۱۶ برای شلیک موشک توسط یمن به ریاض جلسه فوق‌العاده برگزار گردید (www.oic-oci.org) این مثال‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، این سازمان برای منافع عربستان و اعمار و اهداف این کشور مانند ابزاری عمل می‌کند.

شاید علت این وابستگی‌ها را بتوان در مشکلات اقتصادی کشورهای اسلامی و وابستگی ایشان به غرب دانست. اقتصاد این کشورها مکمل یکدیگر نیست، بلکه گاهی رقیب یکدیگرند. منظور از «مکمل بودن» این است که تنوع تولید به حدی باشد که نیازهای کشورهای عضو یک سازمان را تأمین کند (انواریان اصل و دیگران، ۱۳۹۰).

یکی از نقاط ضعفی که در اساسنامه و ارکان «سازمان همکاری اسلامی» دیده می‌شود عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای تصمیمات و مصوبات سازمان است. در این سازمان پیش‌بینی نشده است که اگر کشوری از اعضای سازمان از حیث امنیتی به خطر افتاد، غیر از صدور بیانیه، چه تدابیری اتخاذ شود. این سازمان مدعی است که بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی بعد از سازمان ملل است؛ اما تنها یک رونوشت کاربکاتوری از این سازمان است؛ زیرا فصل هفتم منشور سازمان ملل متصدی پیش‌بینی ضمانت اجرای تحرکات خلاف صلح و امنیت بین‌المللی است. اما در این سازمان به هیچ وجه چنین چیزی پیش‌بینی نشده است و اگر کشوری از ممالک اسلامی به خطر بیفتد تنها راه‌های صلح‌آمیز حل و فصل اختلافات وجود دارد.

این برخلاف اصل اصلاح بین مؤمنان است؛ زیرا قرآن کریم در رابطه با آن اصل، بعد از امر به مصالحه می‌فرماید: «فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلَا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ» (حجرات: ۹)؛ اگر یکی از دو طائفه مؤمن بر دیگری ظلم نمود شما با ظالم نبرد کنید. بنابراین از منظر قرآن کریم تنها راه‌های صلح‌آمیز حل و فصل منازعات بین‌المللی کفایت نمی‌کند، بلکه گاهی وجود جهاد و نبرد برای رسیدن به صلح نیاز است.

البته شاید بتوان علت نرسیدن به این ضمانت‌اجرائی را در عوامل واگرایی اعضای آن جست‌وجو کرد و با توجه به اینکه سازمان گرایش شدیدی به تصمیمات عربستان دارد، اساساً وجود نیروی نظامی برای این سازمان نه تنها راهگشا نخواهد بود، بلکه شاید موجب ایجاد معضلات امنیتی جدیدی در سرزمین‌های اسلامی شود.

معاهده «سازمان کنفرانس اسلامی» در زمینه مبارزه با تروریسم بین‌المللی که در بیست‌وششمین گردهمایی وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی براساس قطعنامه ۵۹/۲۶ به تصویب رسیده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این معاهده ۴۲ ماده‌ای تقریباً به تمام مسائل مرتبط با پدیده «تروریسم»، تعاریف، نحوه همکاری دولت‌ها و مسائل قضایی آن می‌پردازد. در بند یک ماده سوم معاهده مقرر شده است: دولت‌ها متعهد متعهد می‌شوند هیچ‌گونه اقدامی در سازماندهی، تأمین مالی، ارتکاب، تحریک یا حمایت از فعالیت‌های تروریستی - مستقیم یا غیرمستقیم - انجام ندهند و در آن مشارکت نوزند.

همچنین در قسمت (الف) بند دو ماده سوم معاهده مقرر شده است: کشورهای عضو مانع از این شوند که سرزمین‌هایشان مکان برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و اجرای جرایم تروریستی یا شروع همدستی در این نوع جرایم - هر شکلی - گردد، که این موارد شامل جلوگیری از نفوذ عوامل تروریست به سرزمین‌هایشان و یا پناهندگی و اقامت به صورت جمعی و فردی یا میزبانی، آموزش، مسلح‌سازی، کمک مالی و یا ایجاد تسهیلات برای آنها می‌شود. همچنین در بند چهارم ماده چهارم معاهده مبارزه با تروریسم بین‌المللی «سازمان کنفرانس اسلامی»، مقرر شده است: دولت‌های متعاقد با یکدیگر در موارد ذیل همکاری کنند:

۱) افزایش فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و حمایت از رسانه‌های عمومی در جهت مقابله با تبلیغات ضداسلامی از طریق ارائه تصویر واقعی تسامح‌پذیر اسلام و خطر گروه‌های تروریستی در ثبات و امنیت کشورهای اسلامی؛
 ۲) گنجیندن مفاهیم شریف انسانی که اعمال تروریستی را مذمت می‌کند، در منابع آموزشی دولت‌های متعاقد. کاستی دیگر این معاهده آن است که درباره تفکرات تکفیری سکوت کرده است. اساساً تفکرات تکفیری تروریست‌پرور است. راهکار پیشنهادی برای دستیابی به «پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی»، ایجاد معاهداتی برای جرم‌انگاری ترویج افکار تکفیری و آموزش تبعات این افکار آلوده در نهاد آموزش و پرورش کشورهای عضو است. علاوه بر آن هرگونه اعمال مخالف وحدت اسلامی - که شامل توهین به مذاهب اسلامی است - باید توسط تمام کشورهای عضو معاهده جرم‌انگاری شود.

به‌طور خلاصه در یک نگاه آسیب‌شناسانه مشکلات این سازمان را می‌توان در نبود وحدت میان مسلمانان، وجود تفرقه‌های مذهبی و قومی و همچنین سرسپردگی بسیاری از اعضا به قدرت‌های جهانی و بعضی از قدرت‌های منطقه‌ای (مثل عربستان) دانست. در صورت نادیده گرفتن چنین گسست‌هایی، مشکل بعدی این سازمان نبود ضمانتی برای اجرای تصمیمات خویش است.

۳. «سازمان پیمان آتلانتیک شمالی» (ناتو)

«ناتو» موفق‌ترین نهاد امنیتی دوران جنگ سرد بود که با موفقیت چشمگیری اهداف خود را تأمین نمود. محور اصلی تمرکز ناتو که فلسفه وجودی آن نیز به شمار می‌آید، دفاع سرزمینی در قبال تهاجم دشمن خارجی بود. این

سازمان یکی از موفق‌ترین اتحادیه‌ها در صحنه بین‌المللی و نمونه مطالعاتی مناسبی برای بررسی نظریه «اتحادها» محسوب می‌شود (امینیان، ۱۳۸۶، ص ۱-۲).

چیزی که در این بخش باید بدان توجه کرد علل موفقیت یا عدم موفقیت این پیمان است. برای روشن شدن این مطلب باید ساختار و اهداف این سازمان، تا حدی شناخته شود و علل توفیق آن نیز یک به یک بررسی گردد. پیمان ناتو در ۴ آوریل ۱۹۴۹ میلادی با هدف دفاع جمعی در «واشینگتن دی.سی» پایه‌گذاری شد. اعضای اولیه ناتو ۱۲ کشور بودند، ولی اکنون ناتو ۳۰ عضو دارد. هدف اصلی تشکیل پیمان ناتو مقابله با نفوذ شوروی (سابق) و حفظ امنیت کشورهای عضو در مقابل جریان شوروی و کشورهای هم‌پیمان اوست، اما بعد از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد این پیمان همچنان باقی ماند.

ارکان ناتو عبارتند از: شورای آتلانتیک شمالی (مرکب از نمایندگان تمام کشورهای عضو) و کمیته نظامی (مرکب از رؤسای ارتش کشورهای عضو). مقر این کمیته در واشنگتن در ایالات متحده امریکاست (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۵).

این پیمان مبتنی بر اصل «دفاع مشروع» یا «دفاع از خود، اعم از فردی یا جمعی» مقرر در ماده ۵۱ منشور ملل متحد است. به موجب ماده ۵ پیمان، «دولت‌ها توافق دارند که حمله مسلحانه علیه یک یا تعدادی از آنها در اروپا و امریکای شمالی، به معنای حمله علیه تمام آنها تلقی خواهد شد و در نتیجه موافقت می‌نمایند در صورتی که چنین حمله‌ای اتفاق افتد، هریک از آنها در جهت عمل به "حق دفاع انفرادی یا دسته‌جمعی از خود" براساس ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، دولت یا دولت‌های آماج حمله قرار گرفته را از طریق اقدامات آنی، به هر شکلی که ضروری می‌نماید، به صورت انفرادی یا به اتفاق دیگر دولت‌ها، مساعدت نمایند تا امنیت را به منطقه آتلانتیک شمالی بازگردانند که این می‌تواند شامل استفاده از نیروهای مسلح نیز باشد».

همچنین در ماده ۶ علاوه بر سرزمین طرف‌های ناتو، بعضی سرزمین‌های تحت اشغال اعضای ناتو را هم به سیطره ناتو اضافه می‌کند و نیروها و کشتی‌ها و هواپیماهای اعضا نیز تحت حمایت ناتو قرار می‌گیرند.

۳-۱. راهکار به‌روزآوری ناتو برای حفظ و توسعه آن با تأکید بر توسعه مفهوم «امنیت»

فروپاشی اتحاد شوروی (سابق) انحلال پیمان «ورشو»، تأسیس دموکراسی‌های نوپا و مستقل با تکیه بر نظام اقتصاد سرمایه‌داری و وحدت مجدد آلمان در پی تخریب دیوار برلین، فلسفه وجودی تشکیل پیمان ناتو را زیرسؤال برده، ترتیبات امنیتی جدید پس از آن گونه‌ای دیگر از حیات سیاسی - نظامی را برای این سازمان می‌طلبد (کولایی، ۱۳۸۶، ص ۴۷).

اگرچه اصلاح و تطبیق با شرایط جدید دشوار است، اما برای بقا ضروری است. بنابراین ناتو با نوآوری‌های لازم در چارچوب ابتکارات و نهادسازی‌های متعدد، از جمله «شورای آتلانتیک شمالی» و جایگزین آن «شورای

مشارکت اروپا - آتلانتیک»، برنامه مشارکت برای صلح، طرح عملی عضویت، گفت‌وگوی مدیران‌های و ابتکار همکاری استامبول و تعریف کارویژه‌های نو برای خویش، از جمله مدیریت بحران، حفظ صلح و مبارزه با تروریسم بقای خود را تضمین کرد. البته بیشتر ابتکارات و کارویژه‌های ناتو به پیشنهاد و حمایت امریکا شکل گرفته‌اند (خادمی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۴).

بنابراین ناتو از حالت سازمانی منفعل که در دوران جنگ سرد بیش از هر چیز به دنبال سیاست بازدارندگی و حفظ وضع موجود بود، تبدیل به سازمانی پویا در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شد و سیاست حضور نظامی پیشروانه را در پیش گرفت. از این زمان به بعد، سیاست «درهای باز» ناتو یا «ناتوی جهانی» سبب شد که این سازمان در دو وجه سرزمینی و ساختاری برنامه گسترش خود را پی‌گیری کند (کولایی، ۱۳۸۶، ص ۶۲).

«ناتو» دیگر یک پیمان امنیتی صرف نیست و موضوعاتی که در دستور کار جلسات و نشست‌های این سازمان قرار گرفته دامنه وسیعی یافته است، از مبارزه با قاچاق مواد مخدر در آسیای مرکزی تا برقراری امنیت بازی‌های المپیک تابستانی یونان، آموزش افسران امنیتی عراق، کمک به طوفان‌زدگان «کاترینا» در امریکای شمالی، خاموش کردن آتش در جنگل‌های پرتغال، برقراری شبکه اینترنت نخبگان در قفقاز و مشارکت در اجرای برنامه خاورمیانه بزرگ، همگی جزئی از برنامه‌های ناتو در قرن بیست و یکم را تشکیل می‌دهند.

درواقع این سازمان با حفظ کارویژه‌های نظامی پیشین، نقش مهم‌ترین نهاد مدنی در جامعه جهانی قرن بیست و یکم را نیز ایفا می‌کند و در این میان کشورهای بسیاری نیز در صف ائتلاف با قدرتمندترین پیمان تاریخ به انتظار نشستند. در مجموع، می‌توان انتظار داشت که پس از بالکان و آسیای مرکزی و قفقاز، کشورهای حوزه مدیترانه و سپس خاورمیانه حضور بیشتر این سازمان را در زندگی خود شاهد باشند (کولایی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۲).

هرچند کارویژه اصلی ناتو «بازدارندگی» و «دفاع دسته‌جمعی» بیان می‌گردد، ولی می‌توان گفت: در کنار این هدف سلبی، کارویژه‌ها و مأموریت‌های دیگری را نیز در دستور کار خود دارد. تحکیم بلوک غرب، مشروع‌سازی حضور امریکا در اروپا، مهار کشورهای اروپایی و ایجاد اطمینان در عدم تکرار تجربه دشمنی‌های پیشین، و حل مشکلات کشورهای اروپایی بخشی از این کارویژه‌ها محسوب می‌شود (امینیان، ۱۳۸۶، ص ۶).

اولین مفهوم نوین راهبردی، معاهده واشنگتن در سال ۱۹۴۹ بود که به‌مثابه سند تأسیس این سازمان و در پاسخ به اولین نقطه عطف این سازمان (یعنی خطر کمونیسم شوروی و پیمان ورشو) و با هدف «نگهداری روس‌ها در بیرون گود، امریکاییان در درون و آلمانی‌ها در پایین گود» پدید آمد.

در مفهوم «جنگ سرد»، ناتو کاملاً دشمن را شناسایی و پیمان اتحاد جماهیر شوروی را مدنظر قرار داد و شروع به تعریف مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها برای دفاع نظامی از پیمان کرد. دومین مفهوم راهبردی ناتو در نشست رم در سال ۱۹۹۱ پیشنهاد شد و در نهایت، در پنجاهمین نشست سران در واشنگتن در سال ۱۹۹۹ به‌منزله

نسل دوم ناتو (ناتو پس از جنگ سرد) ارائه گردید. هدف این نسل از ناتو که زیاد نیز دوام نیاورد، «تهدیدهای جدید و همکاری با دشمنان سابق» بود (مطلبی، ۱۳۹۵، ص ۵۶).

در سال نوامبر ۲۰۱۰ سند مفهوم راهبردی «دفاع و امنیت اعضای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی» توسط سران کشورها در لیسبون پرتغال تصویب شد که سومین نسل از ناتو را پایه‌ریزی می‌کند. مفهوم نوین راهبردی که در سند لیسبون بر آن تأکید شده، نمایانگر تداوم و تغییر است. ماده ۵ یک‌بار دیگر به‌عنوان اساس همکاری‌های امنیتی فرآتلانتیکی مشخص شده است. بازدارندگی قابلیت‌های هسته‌ای و متعارف نیز دوباره به‌مثابه یک عنصر اصلی مفهوم نوین و هم‌راستا با مفهوم راهبردی ۱۹۹۹ به تصویر کشیده شده است. متن جدید تأکید زیادی بر نقش ناتو در مدیریت بحران دارد. بخش وظایف و اصول اصلی پیمان بیان می‌کند که «ناتو می‌خواهد فعالانه ترکیبی مناسب از... ابزارهای سیاسی و نظامی را برای کمک به مدیریت بحران‌های ایجادشده به کار گیرد» (غلامی و دیگران، ۱۳۹۳).

اما نوآوری‌های جدید در این اتحاد موجب نمی‌شود که اصل این نهاد زیرسؤال برود؛ مثلاً در سند ۲۰۱۰ لیسبون تأکید مجددی بر اصول مهم خود، به‌ویژه ماده ۵ پیمان واشنگتن می‌کند و این نشان از تغییر توسعه‌گونه ناتو دارد، نه اینکه این تغییر و به‌روزرآوری موجب استحاله این پیمان شود.

راهکار به‌روزرآوری، به‌ویژه توسعه مفهوم «امنیت» و محدود نکردن حوزه کاری پیمان به امنیت کلاسیک و صرفاً نظامی، می‌تواند راهکار مهمی برای دستیابی به پیمانی موفق در میان کشورهای اسلامی باشد؛ زیرا بسیاری از معضلات امنیت کلاسیک ریشه در نبود امنیت سیاسی، اقتصادی، رفاهی و... دارد.

۲-۳. همگرایی در ناتو

پی‌ریزی ناتو برای تحکیم بلوک غرب در مقابل بلوک شرق بود و براساس دیدگاه بسیاری از محققان، نمی‌توان سلطه امریکا را در حفظ و توسعه ناتو، حتی پس از تغییر شرایط تأسیس نادیده گرفت. بنابراین در میان اعضای ناتو از حیث جهت‌گیری سیاسی، چند دستگی وجود ندارد.

در کشورهای عضو پیمان ناتو به علت رواج تفکر تکثرگرایی دینی و همچنین دنیاگرایی (سکولاریسم)، مسئله واگرایی به علت اختلافات مذهبی سالبه به انتفای موضوع است. اما وجود تفکراتی شبیه افکار رایج در میان تکفیری‌ها، که موجب طرد دیگران و نفرت‌پرانی و ترویج خشونت علیه پیروان سایر مذاهب است، باعث ایجاد ذاتقه‌ای در ملت‌هاست که نتیجه آن انتخاب حاکمانی با گرایش‌های ناهمسو با چندجانبه‌گرایی است. تفکر «ملی‌گرایی افراطی» در اروپا تا حدی آثار مشابهی با افکار «تکفیری» دارد و بعضی از سیاستمداران اروپایی رواج آن را سم مهلکی در کشورهای اروپایی می‌دانند.

«ملی‌گرایی افراطی» یکی از عوامل وقوع جنگ جهانی دوم و نسل‌کشی‌ها و جنایات در پی آن بود. گرایش ملی‌گرایی موجب شد فرانسه از بخش نظامی ناتو خارج شود. دوگلی در این زمینه اعلام کرد:

فرانسه تصمیم دارد حاکمیت ملی خود را بر سراسر خاک خود تأمین نماید. این حاکمیت به علت حضور دائمی نیروهای نظامی متفقین و استفاده از قلمرو هوایی فرانسه مورد تعرض قرار گرفته است. بنابراین فرانسه از شرکت در فرماندهی مشترک نیروهای آتلانتیک خودداری می‌کند و دیگر حاضر نیست نیروهای خود را در اختیار پیمان مزبور بگذارد (کولایی، ۱۳۸۶، ص ۲۶).

قطعاً وجود منافع مشترک میان واحدهای بازیگر، نخستین گام برای ایجاد و یا پیوستن به یک سازمان بین‌المللی محسوب می‌شود؛ اما باید توجه داشت که ماهیت اهداف مدنظر اعضا نیز در تعیین نوع، نقش مؤثری ایفا می‌کند. اهداف مادی که بر جنبه‌های آشکار قدرت و تهدید تأکید دارند و اهداف ایدئولوژیک که هنجارها، هویت‌ها و ساخت‌های ذهنی در شکل‌دهی به آنها دخیل هستند، هر یک پدیدآورنده گونه‌هایی از پیمان‌ها و اتحادها به شمار می‌روند (همان، ص ۳-۲).

بنابراین اتحاد اهداف ایدئولوژیک یا - دست کم - نبود ایدئولوژی‌های متعارض در ایجاد یک اتحادیه باثبات و موفق حائز اهمیت است؛ مثلاً هیچ‌گاه کشورهای کمونیستی با کشورهای پرچمدار ملی‌گرایی یک اتحاد پایدار و گسترده در تمام جهات نداشته‌اند و اگر اتحادی بوده صرفاً برای از بین بردن دشمن مشترک در یک بازه زمانی خاص بوده است. شاید بتوان گفت: رژیم‌هایی که تفکرات تکفیری در لایه‌های آنها رسوخ کرده، به این علت که این تفکرات نافی دیگران است، اتحادگریزند، مگر اینکه با همفکران خود یا برای مقابله با دشمن مشترک متحد شوند. می‌توان مدعی شد: یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت ناتو در دستیابی به اهداف خویش، همگرایی سیاسی ممتاز آن مبتنی بر ارزش‌ها، منافع و اهداف مشترک است که به اتخاذ تصمیم‌های مشترک می‌انجامد.

۳-۳. راهکار الگوگیری از توسعه گام به گام ناتو

راهکار دیگری که از همگرایی در ناتو می‌توان برداشت کرد، «توسعه گام به گام» آن است. در زمان تولد، این پیمان تنها ۱۲ عضو داشت، اما در حال حاضر تعداد اعضای آن به ۳۰ عضو رسیده است. این مسئله دقیقاً عکس مسیر ایجاد «سازمان همکاری اسلامی» است. نکته جالب توجه اینکه در این میان این اعضای جدید، برخی دولت‌ها در گذشته عضو پیمان رقیب ناتو بودند.

از جهتی این توسعه گام به گام در جهت وجود همگرایی در میان اعضای پیمان است؛ زیرا تعداد اعضای کم و همسو نتیجه‌بخش‌تر از سیاست تکاثر اعضای ناهمگون و واگراست. کشورهای متحد بهترین عامل برای ایجاد و توسعه پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی هستند، حتی اگر تعداد آنها کمتر از انگشتان دست باشد. اگر عملکرد موفق پیمان نمایان شود قطعاً منجر به گسترش اعضا در میان دیگر کشورهای اسلامی خواهد شد.

۳-۴. تأثیر قدرت مالی اعضای پیمان ناتو بر ایجاد و موفقیت آن

تأمین امنیت کاری پرهزینه است و طبیعتاً کشورهای ثروتمند توان بیشتری در این زمینه دارند. با هر معیاری کشورهای عضو ناتو جزو ثروتمندترین کشورهای دنیا قرار می‌گیرند. در کنار این، با توجه به اینکه دلار امریکا و یوروی اتحادیه اروپا ارزهای بین‌المللی هستند، نفوذ اقتصادی ناتو را افزایش می‌دهد.

امریکا بیشترین بودجه نظامی را در دنیا با رقم ۷۳۲ میلیارد دلار برای خود ثبت نموده است و از اعضای ناتو، فرانسه، آلمان و انگلستان - به ترتیب - در رتبه‌های ۸۰۷ جهان قرار دارند (sipri.org).

با این حال، ثروت حرف آخر را در زمینه تأمین امنیت نمی‌زند. برای مثال، بودجه نظامی رژیم صهیونیستی در رتبه ۱۵ جهان قرار دارد، اما در مقابل «حزب‌الله» لبنان و «حماس» در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه، متحمل شکست شد. بنابراین در درگیری نظامی، داشتن نیروهای بانگیزه و برنامه دقیق بسیار مؤثرتر از خرید تجهیزات گران قیمت نظامی می‌تواند مؤثر باشد.

در همین زمینه در سند «مفهوم راهبردی دفاع و امنیت» (نوامبر ۲۰۱۰)، سران کشورهای ناتو متعهد شدند اصلاحات مداوم خود را به سمت یک اتحاد مؤثرتر، کارآمد و انعطاف‌پذیر پیش ببرند، به گونه‌ای که مؤدیان مالیاتی بیشترین امنیت را برای پولی که در دفاع سرمایه‌گذاری می‌کنند، به دست آورند. به بیان دیگر، آنان به دنبال بهینه کردن هزینه‌ها به جای پول‌پاشی برای بودجه‌های نظامی هستند. البته این به معنای نادیده گرفتن نیروهای نظامی نیست، بلکه در همین سند اطمینان می‌دهد که ناتو واجد توانایی کامل و لازم برای جلوگیری و دفاع در برابر هرگونه تهدیدی برای امنیت است و حتی تأکید می‌کند: تا زمانی که سلاح‌های هسته‌ای در جهان وجود داشته باشد، ناتو یک اتحاد هسته‌ای خواهد ماند و توسعه توانایی دفاع از جمعیت و سرزمین‌های ناتو در برابر حمله موشک بالستیک را در برنامه خود دارد و حتی ظرفیت خود را برای دفاع در برابر تهدیدات سلاح‌های کشتار جمعی شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژی توسعه بیشتری خواهد داد.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت: اگرچه بودجه‌های نظامی کلان نقش تعیین‌کننده نهایی را در درگیری‌های نظامی ندارند، اما با دور کردن تهدید از مرزهای خود و توسعه معنای «امنیت» به بسیاری از شئون دیگر، طبیعتاً از درگیری مستقیم نظامی جلوگیری می‌شود و - همان‌گونه که گفته شد - مؤدیان مالیاتی بیشترین امنیت را برای پولی که در دفاع سرمایه‌گذاری می‌کنند، به دست می‌آورند.

۳-۵. «پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی» و راهکار عبور از چالش فقر در میان اعضا با تأکید بر ظرفیت جهاد

این نکته نیز حائز اهمیت است که یک پیمان امنیت دسته‌جمعی، یک اتحادیه نظامی است و مسائل اصلی یک اتحاد نظامی عبارتند از: ادغام فرماندهی عالی نظامی، تلفیق برنامه‌ریزی ستادی، تجمع سازوبرگ نظامی، تأسیس

پایگاه در قلمرو کشور دیگر، سازماندهی مانورهای مشترک، و تبادل اطلاعات. بنابراین نیاز به بودجه‌های نظامی و توان اقتصادی نسبتاً قوی احساس می‌شود.

اما در «پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی» باید از ظرفیت نهفته دنیای اسلامی استفاده شود؛ به این صورت که از تجربه‌های موفق «بسپج مردمی» و «جهاد اسلامی» برای دفاع از امنیت مرزهای دارالاسلام بهره‌برداری گردد. بدین‌روی هزینه‌های نیروهای نظامی به شدت کاهش خواهد یافت و توان مقابله با ارتش‌های به‌مراتب ثروتمندتر را خواهد داشت. به همین علت است که اسرائیل بودجه‌های کلان نظامی و حمایت‌های کشورهای غربی را داراست، ولی توان مقابله با «حزبالله» لبنان را ندارد. این مسئله همان چیزی است که قرآن کریم می‌فرماید: «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ» (انفال: ۶۵).

راهکار مهمی که در اینجا به نظر می‌رسد آن است که ناتو یک اتحادیه نظامی است و درست است که وجود یک اتحادیه نظامی در کشورهای اسلامی راهگشاست، اما می‌توان، هم از فواید اتحادیه نظامی بهره جست و هم از تحمیل هزینه‌های سنگین آن دوری جست و صرفه‌جویی اقتصادی کرد؛ به این صورت که برای دفاع از کشور قربانی با استفاده از فرهنگ «جهاد» و «بسپج عمومی» نیروهای کشور قربانی تجاوز، در مقابل متجاوز ایستاد. نقش پیمان امنیت دسته‌جمعی کمک‌رسانی، تجهیز و تسلیح نیروها، و مدیریت آنهاست. در نهایت در صورت کافی نبودن چنین راهی استفاده از نیروهای نظامی کشورهای عضو پیمان می‌تواند راهی برای پایان دادن به تجاوز باشد. نکته دیگری که نباید از آن غافل بود نقش ایجاد اتحادیه اروپا و همکاری‌های اقتصادی و ایجاد بازار واحد در تقویت توانمندی بیشتر اقتصادی کشورهای عضو ناتو است. اتحادیه اروپا و ناتو قریب ۲۰ عضو مشترک دارند. اتحادیه اروپا قدرتی غیرنظامی با قابلیت‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیت نرم است و قابلیت‌های نظامی آن از تیلور کمتری برخوردار است و در مجموع، سیاست مشترک دفاعی اتحادیه اروپا به صورت مکمل ناتو و نه در مقابل آن تعریف می‌شود (بزرگمهری، ۱۳۹۳).

بنابراین وجود همکاری‌های اقتصادی میان اعضای یک پیمان امنیت دسته‌جمعی و ایجاد بازار واحد توان اقتصادی اعضا را بالاتر می‌برد و علاوه بر اینکه تأثیر خود را بر بودجه‌های نظامی اعضا خواهد داشت، قدرت و ثبات اقتصادی اعضا، جنبه‌های نرم امنیت را افزایش می‌دهد. همچنین ثبات اقتصادی نقش مهمی در تثبیت سیاست‌های اعضا و تحکیم اقتصادی ایشان در مقابل طوفان‌های تحریم کشورهای مستبد خواهد داشت.

۳-۶. تأثیر وجود اعضای پیشرو در ناتو در ایجاد و موفقیت آن

اتحادیه نظامی ممکن است عمدتاً متکی به یک قدرت بزرگ باشد؛ مانند جایگاه ایالات متحد آمریکا در پیمان ناتو که ستون فقرات پیمان مذکور را تشکیل می‌دهد (بارین چهاربخش و دیگران، ۱۳۹۰). بنابراین در

موفقیت ناتو نقش بی‌بدیل امریکا به‌عنوان یک قدرت مسلط را در چارچوب ناتو نباید فراموش کرد (خادمی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۹). در «پیمان آتلانتیک شمالی» مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۳ نقش امریکا را ممتاز از دیگران ساخته است. اگرچه این مواد وظایف یک دبیر را ذکر می‌کند، اما همین قدر که امریکا جدای از دیگر کشورها ذکر می‌شود، حاکی از نگاه ویژه اعضا به این کشور است.

برای مثال یکی از مسائل مطرح در ناتو، تعیین تکلیف نیروهای نظامی امریکایی مستقر در اروپا بود. اولین کاهش نیرو در سال ۱۹۸۹ آغاز شد. در واقع، بدون حضور نیروهای امریکایی ناتو به نهادی ضعیف‌تر از نهادهای موجود در اروپا، همانند اتحادیه اروپای غربی و یا سازمان همکاری و یا سازمان همکاری و امنیت اروپا تبدیل می‌شد (امینیان، ۱۳۸۶، ص ۱۵۶-۱۵۷).

شاخص‌های تسلط ایالات متحده امریکا، به‌ویژه در دوران جنگ سرد را می‌توان در بعضی موارد تبیین نمود: تأمین کمبودهای اتحادیه، به‌ویژه در عرصه نیروهای نظامی؛ رهبری در طراحی راهبردی و هدایت ناتو در دست افسران امریکایی؛ هدایت سیاست‌های عمومی ناتو با ابتکارات و طرح‌های امریکا؛ ترغیب کشورهای عضو به اتخاذ سیاست‌های خاص و مانند آن خلاصه‌ای از شاخص‌های مهم تسلط امریکا بر پیمان ناتو است (همان، ص ۱۴۸-۱۵۰).

اما چرا اروپاییان سیطره تسلط امریکا پذیرفته‌اند و وارد این پیمان می‌شوند؟ سیاست اتحاد زمانی اتخاذ می‌شود که دولتی به این نتیجه برسد که نمی‌تواند به‌تنهایی نمی‌تواند اهداف، مصالح و منافع خود را در داخل یا خارج تحصیل کند یا یک خطر مشترکی را احساس می‌کند. اتحاد کشورها به سه نوع جهت‌گیری تشکیل می‌شود: «اتحاد موازنه»، «اتحاد دنباله‌روی» و «اتحاد مهار».

به اجمال، «اتحاد موازنه» در مقابل تهدید کشور یا کشورها تشکیل می‌شوند و تداوم می‌یابند. در «اتحاد دنباله‌روی» کشورهای کوچک یا ضعیف با کشورهای بزرگ متحد می‌شوند تا کشورهای بزرگ تهدیدگر دیگری را ساکت کنند. «اتحاد مهار» نیز شامل موقعیت‌هایی می‌شود که کشورها با کشورهایی که تهدید متقابل را به وجود می‌آورند، متحد می‌شوند. در «اتحاد مهار» تهدید متقارن است، در حالی که برای «اتحاد دنباله‌روی» تهدید غیرمتقارن است. بنابراین، رفتار مهارکننده از تمایلی سرچشمه گرفته است که دشمن برابر را مدیریت کند، نه تمایلی که یک کشور قدرتمندتر را آرام کند (خادمی، ۱۳۸۷، ص ۱۵-۱۶).

مری‌الن اوکانل، استاد پژوهشی حل اختلافات بین‌المللی دانشگاه «نوتردام»، در این زمینه می‌نویسد: اروپایی‌ها بعد از پایان جنگ سرد درباره داشتن بازوی امنیتی مستقل نظامی خود، صحبت کرده‌اند، به‌گونه‌ای که هرگز این اتفاق نمی‌افتد و ناتو همچنان به عنوان نهاد هماهنگ‌کننده نظامی برای اتحادیه اروپا نقش دارد. ایالات متحده از

این وضعیت سود زیادی می‌برد. اروپایی‌ها از نظر نظامی تا حدی ضعیف و تحت سلطه ایالات متحده هستند و ایالات متحده همچنان به طرح قدرت نظامی ادامه می‌دهد (اکانل، ۲۰۱۰، ص ۱۹۶).

شاید بتوان مدعی شد برخلاف آنچه بعضی نویسندگان درصدد بزرگ‌نمایی ابعاد منفی سلطه امریکا بر پیمان هستند، اما بیشتر به نظر می‌آید که حضور امریکا اگرچه تأثیر خاص خود را در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در ناتو دارد، اما منافع خود را نیز برای اعضا داشته است.

اما آنچه از این پیمان به‌عنوان یک راهکار برای پیمان امنیت کشورهای اسلامی می‌توان مدنظر قرار داد اهمیت وجود یک رهبر است که دیگر اعضا نقش دنباله‌روی این عضو را داشته باشند. وجود رهبر در یک اتحادیه و پیمان، خود یکی از عوامل رسیدن به یک همگرایی و انسجام در اعضاست. ایران می‌تواند گزینه مناسبی برای این جایگاه باشد؛ زیرا ایران کارنامه موفق در مقابله با نیروهای تروریستی تکفیری دارد.

۷-۳. ناتو و چالش «معضل امنیتی»

یک مفهوم مهم در نظریه روابط بین‌الملل، «معضل امنیتی» است. این نظریه می‌گوید: حتی اگر هیچ کشوری تمایل به حمله به دیگران نداشته باشد، اما باز هم نمی‌تواند از صلح‌آمیز بودن اهداف دیگران اطمینان داشته باشد و یا مطمئن باشد که نیت و اهداف صلح‌آمیز دیگران ادامه خواهد داشت. بنابراین هر کشوری باید برای دفاع، قدرت جمع کنند و چون هیچ کشوری نمی‌تواند مطلع شود که انباشت قدرت دیگران فقط به هدف دفاع ایجاد می‌شود، پس هر کشوری باید تصور کند که هدف دیگری از انباشت قدرت، حمله است. در نتیجه، افزایش قدرت هریک از دو طرف با دیگران مطابقت دارد؛ اما این تورم قدرت باعث ایجاد امنیت بیشتری نسبت به زمان شروع این چرخه معیوب نیست. با این حال منجر به ایجاد هزینه‌هایی برای دستیابی و حفظ قدرت می‌شود (سیندر، ۱۹۸۴، ص ۴۶۱).

«پیمان ورشو» شش سال بعد از تأسیس ناتو منعقد شد. ایجاد ورشو پاسخی به تأسیس ناتو بود. این یکی از مصادیق «معمای امنیتی» یا «معضل امنیتی» (Security Dilemma) است. اساساً جنگ سرد نیز از نتایج همین معضل بود.

به بیان ساده، معمای امنیتی زمانی مطرح می‌شود که اقدامات یک دولت در جهت افزایش امنیت خود، واکنش دولت دیگر و در نتیجه کاهش امنیت برای دولت اول را به دنبال داشته باشد. با این حال، ممکن است اقدامات دولت نخست بیشتر - اگر نه کاملاً - برای مقاصد تدافعی باشد، که می‌تواند حسن نیت آن دولت را نشان دهد و دولت دوم ممکن است آن اقدامات را به دیده تهاجم بنگرد، که حکایت از سوء نیت دولت اول دارد. بدین سان دولت نخست می‌تواند ناخودآگاه و یا سهواً موجبات ناامنی دولت دوم را فراهم کند (روی، ۱۳۸۲).

«معضل امنیت» تأکیدش بر بی‌اعتمادی و سوءظن بازیگران به یکدیگر و نسبت به نیت همدیگر است. در این نظریه، به اقدامات دولت‌ها با بدبینی نگاه می‌شود و هریک از طرفین آن را تهدید علیه خود فرض می‌کند (رستمی و دیگران، ۱۳۹۸) که این امر دقیقاً در روابط بین ناتو و ورشو در ایجاد و عملکرد دو سازمان مشاهده می‌شود. این سوءظن در دوران جنگ سرد در اوج خود بود؛ اما امروز نیز اختلافات و تنش‌هایی بین روسیه و ناتو وجود دارد که این نشان از صحت وجود «معمای امنیت» در روابط بین ناتو و ورشو است.

این نکته مهمی است که نباید ایجاد «پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی» پاسخی به وجود پیمان‌های امنیتی رقیب باشد، یا اینکه این پیمان به شکلی ایجاد شود که حساسیت دیگران را برانگیزد و تا حد ممکن، از حساسیت‌ها و نگرانی‌های دیگران کاسته شود تا حتی المقدور وارد گرداب امنیتی نشویم؛ زیرا «معمای امنیتی» هزینه ایجاد امنیت را بالاتر خواهد برد. به هر حال این یک واقعیت است که در جهان اسلام شکاف اعتقادی و سیاسی وجود دارد. نباید این شکاف را با اقدامات تحریک‌آمیز تبدیل به جنگ سرد اسلامی و یا منطقه‌ای نمود.

دامن زدن به معمای امنیتی می‌تواند چند پیامد داشته باشد:

یکم. زمینه جنگ عمدی و غیرعمدی را فراهم می‌کند. جنگ تمام‌توان ما را به خود مشغول خواهد کرد و آرمانخواهی ما را کُند می‌کند و به تأخیر می‌اندازد و امکانات مسلمانان را علیه مسلمانان و منطقه به هدر می‌دهد که در نهایت به نفع کشورهای دشمن است.

دوم. احساس عدم امنیت کشورهای منطقه موجب می‌شود توجه از رژیم صهیونیستی به ما منتقل گردد، در حالی که مسئله اصلی منطقه وجود این رژیم است.

سوم. حضور بیگانگان را در منطقه افزایش خواهد داد که به هیچ وجه نزدیکی آنها به نفع ما نیست.

چهارم. مسابقه تسلیحاتی و خریدهای نظامی را افزایش می‌دهد که امکانات و ثروت ملت‌های مسلمان به جیب کشورهای غربی و مجتمع‌های صنعتی و نظامی آنها روانه می‌گردد.

پنجم. جنگ سرد و لفاظی را میان کشورهای منطقه افزایش می‌دهد.

ششم. رشد و توسعه منطقه را دچار مشکل می‌سازد و توجه را از پیشرفت به هزینه‌های غیرلازم متوجه می‌سازد که برای این کشورها نیز مفید نیست و موجب فقیرتر شدن منطقه خواهد شد (غزایاق زندی، ۱۳۹۱).

به نظر می‌رسد راهبرد مناسب برای پیشگیری از این وضعیت آن است که روند ایجاد این پیمان، راهی غیرتحریک‌آمیز باشد. باید به کشورهای منطقه و رقبای سیاسی و دیگران اطمینان داده شود که این پیمان در پی تهاجم نیست و صرفاً برای تأمین و تحکیم امنیت اتباع کشورهای عضو و پیشگیری از تضييع حقوق مسلمانان اقصاد جهان و دفاع از ایشان با اولویت استفاده از راه‌های صلح‌آمیز است.

این راهبرد باید این امکان را فراهم کند که هرگونه تحرک نظامی از طریق دیپلماسی یا حتی دیپلماسی نظامی برای کشورهای دیگر توجیه شود و از بروز هرگونه جنگ سرد در منطقه و جهان اسلام پیشگیری نماید. اعتمادسازی یکی از مهم‌ترین عوامل کاربردی کردن این راهبرد است.

۴. راهکار توسعه وحدت اسلامی و زمینه‌سازی آن برای دستیابی به «پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی»

چالش مهم برای دستیابی به «پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی»، تفرقه در دنیای اسلام است. به نظر می‌آید یکی از مهم‌ترین علل این مشکل، اختلافات مذهبی و نوع رشدیافته آن، یعنی جریان‌ات تکفیری است؛ زیرا رسوخ این افکار در مردم یک کشور، باعث حمایت مردمی از مستبدان و در نتیجه بروز اختلافات سیاسی می‌شود.

با توجه به اینکه حساب ویژه‌ای بر «بسیج مردمی» و «جهاد» در «پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی» باز شده است، نگاه به تفکر «وحدت اسلامی» اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا مسلمانان با مذاهب و اقوام گوناگون باید در کنار یکدیگر از امنیت «دارالاسلام» مراقبت کنند. حرکت این نیروی نظامی با اعتقاد قلبی است، نه با بودجه‌های کلان؛ زیرا اینان برای اعتقاد مبارزه می‌کنند. پس نباید نگاه این سرباز به دیگر اقوام و مذاهب نگاه یک تکفیری باشد و باید - دست‌کم - پیروان دیگر مذاهب اسلامی را مسلمان بداند.

برای مثال در «حشد الشعبی» عراق مجموع نیروها ۱۱۸ هزار تن اعلام شده است که از این تعداد ۲۵ تا ۳۰ هزار تن از عشایر اهل تسنن هستند و به گفته علی‌الحسینی، سخنگوی رسمی نیروهای داوطلب ترکمن وابسته به «حشد الشعبی»، بیش از ۳۰ هزار نیروی ترکمن به عضویت گردان‌های داوطلب «حشد الشعبی» پیوسته‌اند. یک محاسبه ساده شامل جمع این نیروها نشان می‌دهد که با توجه به آمار بالا، نیمی از نیروهای «حشد الشعبی» را عشایر اهل تسنن و نیز داوطلبان ترکمن تشکیل می‌دهند. همچنین باید سایر گروه‌های عراقی شامل ایزدی‌ها، مسیحیان و کُردها را که در «حشد الشعبی» حضور دارند، به آمار بالا اضافه کرد (tasnimnews.com). نگاه به «وحدت اسلامی» موجب می‌شود تمام مذاهب تحت حمایت این نیروها باشد.

نظر ما در باب وحدت اسلامی، رسیدن به یک زندگی مسالمت‌آمیز با عنایت به مشترکات و قبول اختلافات مذهبی به همراه ایجاد کرسی‌های آزاداندیشی و گفت‌وگوی میان مذهبی است. این مسئله با وجود تفکرات تکفیری در جهان اسلام قابل تحقق نیست. اساساً جریان تکفیر وحدت‌گریز است؛ زیرا حداقل مبنای وحدت را که اذعان به مسلمان بودن دیگر مذاهب است، قبول ندارد. همچنین خشونت‌محور است؛ پس قابلیت رسیدن به یک زندگی مسالمت‌آمیز را ندارد.

برای رسیدن به این اهداف تلاش‌های زیادی شده است، اما در این نوشتار چند راهکار حقوقی برای موفقیت در این زمینه پیشنهاد می‌شود:

۱-۴. معاهدات ضمیمه با موضوع مسائل فرهنگی مرتبط با وحدت اسلامی

یکی از مشکلات مهم در راه رسیدن به وحدت، لزوم رسوخ این تفکر در میان مردم است. بسیاری از مجامع و گردهمایی‌های رسمی با موضوع «وحدت اسلامی» معمولاً در سطح نخبگان ملت‌های اسلامی است. نباید منکر نفوذ خواص جوامع بر ملت‌ها شد؛ اما مستقیماً تأثیر آنها بر امت اسلامی و مردم عادی نیست.

مسائل فرهنگی مرتبط با وحدت، وقتی به صورت یک معاهده باشد اولین خاصیت آن الزام‌آور بودن است. پس برای طرفین تعهد ایجاد می‌کند و صرفاً بیانیه‌خوانی نخواهد بود.

یکی از محورهای این معاهده مربوط به نهادهای آموزشی کشورهای عضو است که باید در زمینه معرفی فرهنگ وحدت اسلامی، شناسایی سرگذشت اختلافات مسلمانان و آسیب‌های گسترده آن و تبیین انحراف مهم جریان‌ات تکفیری و خسارات و جنایات آنها، در این نهاد اقدامات مهمی انجام گیرد. کشورهای عضو باید متعهد شوند که دانش‌آموزان در دوره تحصیل، شناخت جامعی نسبت به آموزه‌های وحدت اسلامی، زندگی مسالمت‌آمیز، احترام به مقدسات مذاهب دیگر، نفی ملی‌گرایی و گرایش‌های قومی افراطی مانند «پان‌ترکیسم» و «پان‌عربیسم»، و گفت‌وگوی بین‌ادیان و مذاهب پیدا کنند و همچنین با آسیب‌شناسی تفکر تکفیری آشنا شوند.

اگر به فضایی بنگریم که ناتو در آن تأسیس شد و رشد کرد، متوجه می‌شویم که فضای همگرایی بسیار عمیق‌تر از همسویی سیاسی دولت‌هاست و این همگرایی در بین مردم سرزمین‌های ناتو نیز مشهود است؛ مثلاً مرزهای بسیاری از کشورهای عضو ناتو باز است و بدون کوچک‌ترین بازرسی و نگرانی، مردم از این مرزها عبور می‌کنند. اگر رسیدن به چنین وضعیتی مشروط به شروط بسیاری باشد، قطعاً یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای آن، این است که مردم این کشورها به چنان بلوغی رسیده باشند که به مسائل مورد احترام و تکریم کشور میزبان، اهانت نکنند.

شناساندن فرهنگ وحدت و جریان‌ات ضد وحدت در نهادهای آموزشی کشورهای اسلامی از آن نظر مهم است که جریان تکفیر نباید بتواند تولیدمثل فکری کند و نسل بعدی جهان اسلام باید نسبت به این افکار واکنش داشته باشد. جهت دیگر این معاهده، نظارت اعضا بر رسانه‌های کشورهای خود و ایجاد محدودیت برای ارسال و نشر محتوای مشتمل بر مطالب خلاف وحدت اسلامی و ترویج افکار تکفیری است. رسانه در این بیان شامل تمام ابزارهای رسانه می‌شود، چه این ابزارها در اختیار دولت باشند یا بخش غیردولتی آنها را اداره کند. علت این امر قدرت رسانه در ترویج این افکار و مشروع جلوه دادن آنهاست.

اگرچه ممکن است در بدو امر این کار خلاف «حق آزادی بیان» باشد، اما ماده ۱۹ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» بعد از اینکه «حق آزادی بیان» را با تمام ابزارهایش به رسمیت می‌شناسد، بیان می‌دارد: علاوه بر آنکه باید به محدودیت‌ها بر آزادی بیان در قانون تصریح شود، باید تنها شامل احترام به حقوق یا حیثیت دیگران و حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی باشد (unic-ir.org). این ایجاد محدودیت نیز در راستای حفظ امنیت کشورهای عضو است.

به سبب متغیر بودن امنیت ملی و تأثیرپذیری آن از عوامل زمانی و مکانی، ممکن است نمایش یک فیلم یا برنامه تلویزیونی در یک کشور، مغایر امنیت ملی باشد و در کشور دیگر، چنین نباشد یا حتی نمایش یک برنامه در یک زمان مشخص در یک کشور در تضاد با امنیت ملی باشد، ولی در برهه زمانی دیگر، اینگونه نباشد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۵). بنابراین با توجه به شرایط سال‌های اخیر کشورهای اسلامی، منطقی است چیزی که قبلاً مشمول محدودیت نبوده، در شرایطی وارد حیطه امنیت ملی شود و مشمول محدودیت‌ها گردد.

دستیابی به اهداف این معاهده فرهنگی شاید سال‌ها به طول بینجامد؛ زیرا تربیت نسل‌ها و فعالیت‌های فرهنگی امری زمان‌بر است؛ اما این مسیری است که برای رسیدن به جامعه اسلامی متحد باید پیموده شود و گریزی از آن نیست.

۲-۴. معاهدات ضمیمه با موضوع جرم‌انگاری اعمال خلاف وحدت اسلامی

قطعاً تا زمانی که مسئله «وحدت» به وسیله قانون حمایت نشود کسانی هستند که یا به واسطه کج‌فهمی و یا وابستگی به دشمنان اسلام، اقدامات مخالف وحدت اسلامی را مرتکب می‌شوند. پس باید این اعمال جرم‌انگاری شود.

جرم‌انگاری باید به صورت متقابل و معاهده باشد؛ زیرا - مثلاً - اگر کشور شیعی با شیعیانی که به مقدسات اهل تسنن اهانت می‌کنند برخورد قانونی کند، اما در کشورهای اهل تسنن چنین کاری صورت نگیرد، ادامه کار از حیث مقبولیت اجتماعی، قانون به مشکل خواهد رسید. همچنین به هدف ایجاد همگرایی بین ملل مسلمان نایل نخواهیم شد. پس باید این کار در تمام ممالک اسلامی جرم‌انگاری شود.

اولویت این جرم‌انگاری باید شامل ترویج افکار تکفیری باشد. در سال‌های اخیر، بیشترین ترور و خشونت علیه مسلمانان، نه از طرف دشمنان خارجی جهان اسلام، بلکه توسط مسلمانان اغوا شده با این افکار صورت گرفته است. به هر حال نباید نقش شبکه‌های ترویج این افکار را فراموش نمود.

این مسئله باید درخصوص توهین به قومیت‌ها نیز وجود داشته باشد و احترام به نژادها و قومیت‌ها نیز تحت حمایت قانون باشد.

عدم رعایت الزامات وحدت اسلامی ممکن است از جانب افراد حقیقی و یا حقوقی رخ دهد. بنابراین برای هر کدام به تناسب، باید مجازات خاص خود تعیین شود؛ مثلاً پیش‌بینی شود که اگر رسانه‌ای یا نهادی دولتی چنین جرمی را مرتکب شود، مجازات متناسب آن چه خواهد بود.

این مسئله قطعاً به معنای سلب آزادی مردم در گفت‌وگوی آزاد در رابطه با دین و مذهب نیست، بلکه منع اهانت به مقدسات، خود مقدمه رسیدن به فضای مناسب، برای تبادل آراء و آزاداندیشی است.

نکته قابل توجه اینکه نباید این مسئله را با بعضی کشورهای غیردینی مقایسه کرد؛ مثلاً در کشورهای غربی کاریکاتوره‌های مقدسات مسیحیت تولید و پخش می‌شود، اما جرم‌انگاری نشده و معمولاً موجب تنش خاصی در آن جوامع نگردیده است، اما باید توجه داشت که در جوامع غیردینی، دین به یک امر فرعی تبدیل شده و به بیان ساده، در نسل‌های اخیر این کشورها غیرت دینی زوده شده است. بنابراین مردم آن سامان حساسیتی نسبت به این مسائل ندارند تا این‌گونه مسائل در آنها به یک امر ناقض نظم عمومی و امنیت ملی تبدیل گردد. این درحالی است که در جوامع اسلامی این مسئله به‌عکس است و ملت‌های مسلمان نسبت به مقدسات خود حساسند و اهانت به آن را برنمی‌تابند. این قضیه، حتی در جوامعی که مسلمانان در اقلیت هستند نیز صادق است؛ مثلاً در کشور فرانسه بارها اهانت به مقدسات مسلمانان، امنیت ملی این کشور را خدشه‌دار کرده است.

این معاهدات اگرچه به‌عنوان ضمیمه بر «پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی» مطرح گردید، اما به‌واقع زمینه دستیابی به این پیمان است. حتی اگر موفق به دستیابی به این پیمان نشویم، اما این معاهدات برای جوامع اسلامی ضروری به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

برای تبیین راهکارهای دستیابی به «پیمان امنیت دسته‌جمعی کشورهای اسلامی» ابتدا وضعیت موجود بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی کشورهای اسلامی (یعنی سازمان همکاری کشورهای اسلامی) مطالعه گردید، سپس وضعیت یکی از مهم‌ترین پیمان‌های امنیت دسته‌جمعی جهان و مشکلات و راه‌حل‌های آن بررسی شد.

راهکارهایی که از این مقایسه‌ها استخراج می‌شود به اجمال عبارت است از: اتخاذ سیاست «توسعه گام به گام» پیمان به جای سیاست «تکثیر اعضای ناهمگون و واگرا»، وجود عضو پیشرو در پیمان، پیشگیری از ایجاد «معمای امنیتی» با استفاده از ابزار دیپلماسی و اعتمادسازی، اجرای سیاست «وحدت اسلامی» با ابزار معاهدات فرهنگی و معاهداتی در زمینه جرم‌انگاری اعمال خلاف وحدت اسلامی، استفاده از ظرفیت عظیم جهاد اسلامی و بسیج نیروهای مردمی، توسعه مفهوم «امنیت» و محدود نکردن حوزه کاری پیمان به امنیت کلاسیک و صرفاً نظامی.

منابع

- ابولحسنی، علی محمد، ۱۳۹۳، «امنیت دسته جمعی collective security» سایت پژوهشکده باقرالعلوم www.pajoohe.ir.
- احمدی، سیدمحمدصادق و دیگران، ۱۳۹۵، «بررسی تطبیقی محدودیت‌های آزادی بیان در تلویزیون از منظر اسناد بین‌الملل حقوق بشر و حقوق موضوعه ایران»، *پژوهش حقوق عمومی*، ش ۵۲، ص ۱۵۳-۱۷۸.
- امینیان، بهادر، ۱۳۸۶، *آمریکا و ناتو (پایایی و گسترش ناتو و هژمونی آمریکا)*، تهران، دانشگاه امام حسین علیه السلام.
- انوریان اصل، حامد و دیگران، ۱۳۹۰، «چالش‌های همگرایی در میان کشورهای اسلامی (مطالعه موردی در رابطه با سازمان کنفرانس اسلامی)»، *نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی (علوم اجتماعی)*، ش ۳۴-۳۵، ص ۱۹۳-۲۲۷.
- بارین چهاربخش، ویکتور و دیگران، ۱۳۹۰، «ارزیابی حق دفاع مشروع جمعی در حقوق بین‌الملل معاصر»، *دیدگاه‌های حقوقی*، ش ۵۶، ص ۱۰۸-۱۳۲.
- بزرگمهری، مجید و دیگران، ۱۳۹۵، «علل واگرایی در سازمان همکاری اسلامی»، *مطالعات جهانی اسلام*، ش ۱۸، ص ۲۵-۵۲.
- بزرگمهری، مجید، ۱۳۹۳، «بررسی روابط اتحادیه اروپا و ناتو؛ چالش‌ها و فرصت‌های موجود»، *سیاست (دانشکده حقوق و علوم سیاسی)*، ش ۳، ص ۴۳-۶۶.
- پورهاشمی، سید عباس و همکاران، ۱۳۸۶، «امنیت دسته‌جمعی در حقوق بین‌الملل؛ با تأکید بر ضرورت ایجاد سازمان منطقه‌ای برای امنیت خلیج فارس»، در: *فصلنامه همایش بین‌المللی خلیج فارس*، تهران.
- جهان‌بین، اسماعیل و دیگران، ۱۳۹۳، «سازمان همکاری اسلامی، بررسی ناکامی‌ها با تأکید بر عوامل واگرایی»، *مطالعات تاریخی جهان اسلام*، ش ۳، ص ۷-۳۰.
- خادمی، غلامرضا، ۱۳۸۷، *ناتو؛ سازمان پیمان آتلانتیک شمالی*، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- رستمی، فرزاد و دیگران، ۱۳۹۸، «تحلیلی بر مناسبات رژیم صهیونیستی و روسیه در بحران سوریه در پرتوی معمای امنیت»، *سیاست دفاعی*، ش ۱۰۷، ص ۵۳-۸۵.
- روی، پل، ۱۳۸۲، «معمای امنیت اجتماعی»، ترجمه منیژه نویدنیا، *مطالعات راهبردی*، ش ۳، ص ۶۸۵-۷۱۰.
- زال پور، خسرو، ۱۳۸۳، «نظام امنیت دسته‌جمعی و سازمان ملل متحد؛ مورد عراق»، *رواق اندیشه*، ش ۳۱، ص ۵۵-۷۲.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۹۲، *حقوق بین‌الملل عمومی*، ج چهل و چهارم، تهران، گنج دانش.
- غرایق زندی، داود، ۱۳۹۱، «دفاع غیرتحریک‌آمیز: راهبرد جمهوری اسلامی ایران برای کاهش معمای امنیتی غرب آسیا»، *مطالعات راهبردی*، ش ۳، ص ۷۱-۹۳.
- غلامی، مجید و دیگران، ۱۳۹۳، «مفهوم نوین امنیت استراتژیک سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)»، *مطالعات سیاسی*، ش ۲۴، ص ۲۹-۵۸.
- کولایی، الهه، ۱۳۸۶، *سازمان پیمان آتلانتیک شمالی دگرگونی در مأموریت‌ها و کارکردها*، تهران، دانشگاه تهران.
- مطلبی، مسعود، ۱۳۹۵، «هیافت امنیتی‌سازی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و جمهوری اسلامی ایران»، *علوم سیاسی*، ش ۳۵، ص ۵۳-۷۷.
- میرمحمدی، سیدمصطفی، ۱۳۹۶، «برنامه‌های عمل ده ساله سازمان همکاری اسلامی، صلح و امنیت بین‌المللی»، *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ش ۱، ص ۱۷۳-۲۰۲.

O'Connell, Mary Ellen, 2010, "NATO at Sixty: America Between Law and War", *Indiana journal of global legal studies*, V. 17, p. 187-197.

Snyder, Glenn, 1984, "The Security Dilemma in Alliance Politics", *World Politics*, V. 36, N. 4, p. 461-495.